



## Strategic Analysis of the Economic Role of the Government in Education with an Emphasis on Islamic Perspective

Abbas Ramezani 

Assistant Professor, Department of Educational Administration, Farhangian University, Tehran, Iran.

Ladan Hajianvari\* 

B.A Student in Education, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Zanjan, Iran.

### Abstract

Education has become increasingly importance from various perspectives, especially in terms of economics. One can dare to say that education accounts for the largest part of public expenses in all countries across the world. There are few people (who have studied the direct and indirect social and private benefits of education i.e., both public and higher education) who consider investment in education useless or even less useful. Nevertheless, there are still gaps in research on the way that government or private sector are involved in education, particularly with regards to Islamic viewpoints. The aim of this qualitative research is to analyze the economic role of the government in education with an emphasis on the perspective of Islam. In this regard, semi-structured interviews were conducted on 15 economics of education experts who were purposefully selected using snowball sampling until data saturation was achieved. The content of interviews was analyzed to elicit themes that can be used in a SWOT matrix. The findings indicate that government involvement in this field has strengths, weaknesses, opportunities, and threats, emphasizing the necessity for both the public and private sectors to jointly participate in the financing of education. With such cooperation, the government and the market can address current shortcomings and contribute to enhancing the quality of education.

**Keywords:** Education, Government, Economics of education, Islamic views.

**JEL Classification:** H11, H52, I21, Z12

\* Corresponding Author: [l.hajianvari@cfu.ac.ir](mailto:l.hajianvari@cfu.ac.ir)

**How to Cite:** xxxxxxxx

## تحلیل راهبردی نقش اقتصادی دولت در آموزش و پرورش با

### تاکید بر دیدگاه اسلام

استادیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

عباس رضایی 

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، زنجان، ایران

لادن حاجی انوری 

#### چکیده

آموزش و پرورش از جهات مختلف و به‌ویژه از لحاظ اقتصادی، اهمیتی روزافزون یافته و به جرأت می‌توان گفت که آموزش و پرورش، بزرگترین بخش هزینه‌های عمومی اغلب کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است و کمتر کسی است که اندک مطالعه‌ای در باب فواید اجتماعی و خصوصی مستقیم و غیرمستقیم آموزش و پرورش اعم از آموزش عمومی و عالی داشته و در عین حال اقتصاد آموزش و پرورش و سرمایه‌گذاری در آموزش را بی‌فایده یا حتی کم‌فایده انگارد. با این حال، همچنان خलाهای پژوهشی فراوانی در ارتباط با کم و کیف ورود و سرمایه‌گذاری دولت یا بخش خصوصی در آموزش و پرورش به‌ویژه با لحاظ دیدگاه‌های اسلامی وجود دارد. بر این اساس هدف این پژوهش کیفی، تحلیل نقش اقتصادی دولت در آموزش و پرورش با تاکید بر دیدگاه اسلام است، در این راستا از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از صاحب‌نظران اقتصاد آموزش و پرورش که با نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شدند بررسی صورت گرفت و با اشباع داده، مصاحبه‌ها متوقف شدند. مضامین مصاحبه‌ها پس از تحلیل مضمون با استفاده از ماتریس سوات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها حاکی از آن است که ورود اقتصادی دولت به این عرصه دارای نقاط نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیداتی است و بخش دولتی و خصوصی بایستی توأمان در تأمین مالی آموزش و پرورش مشارکت داشته باشند. چنین تدبیری به رفع نقایص فعلی امر و ارتقای کیفیت آموزش و پرورش منجر خواهد شد.

\* نویسنده مسئول: [l.hajianvari@cfu.ac.ir](mailto:l.hajianvari@cfu.ac.ir)

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، دولت، اقتصاد آموزش و پرورش، دیدگاه اسلام  
طبقه‌بندی JEL: H11، H52، I21، Z12

## ۱. مقدمه

دولت‌های پیشرفته، نظام آموزش و پرورش ملی را در راستای اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی خود ایجاد می‌کنند. مثلاً در فرانسه، دولت به گسترش مدارس دولتی برای تمام آحاد ملت پرداخت تا احساس هویت ملی را از طریق ترغیب کاربرد زبان فرانسه و آشنایی با دانش معیار و آداب و رسوم اجتماعی تقویت کند (وبر<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶). در سال ۱۸۵۳، دولت ژاپن با الگوبرداری از نظام آموزشی ایالات متحده آمریکا به ایجاد نوعی سیستم آموزش و پرورش نوین اهتمام ورزید تا بتواند به لحاظ اقتصادی و نظامی توان رقابتی خود را با رقبای غربی حفظ کند (پاسین<sup>۲</sup>، ۱۹۶۵). اخیراً نیز سازمان‌های بین‌المللی از جمله یونیسف و بانک جهانی بر ترغیب و تأمین سرمایه‌ی ایجاد و گسترش نظام‌های آموزش و پرورش ملی در کشورهای مختلف جهان تأکید دارند تا به واسطه‌ی آن با حمایت از شعار "آموزش برای همه"<sup>۳</sup>، زمینه‌ی تحقق این هدف را فراهم آورند (یونیسف<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸؛ بانک جهانی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱).

اسلام، مکتبی غنی و متشکل از نظام‌های مختلف اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تربیتی است و در بین نظام‌های مذکور، نظام آموزشی و تربیتی در اسلام از اولویت ویژه برخوردار است و شاید بتوان گفت در واقع همه سیستم‌های دیگر نیز در ارتباط مستقیم و طولی با نظام تربیتی قرار دارند (صراف، ۱۳۸۳). آیات قرآن کریم نیز، بر آموزش و پرورش عنایت فراوان داشته‌اند (زمر: ۹؛ علق: ۱-۵؛ قصص: ۸۰؛ بقره: ۲۶۹)، و امر تعلیم و تربیت را یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران دانسته‌اند (جمعه: ۲؛ بقره: ۱۲۹؛ آل عمران: ۱۶۴). پیامبر اکرم (ص) در فرازی به صراحت، رسالت خود را تعلیم و تربیت عنوان نموده است (بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ) (بحار الأنوار، ج ۱: ۲۰۶). تعلیم و تربیت، راهی

<sup>1</sup>. Weber, E

<sup>2</sup>. Passin, H.

<sup>3</sup>. Education for All

<sup>4</sup>. UNICEF

<sup>5</sup>. World Bank

است که انسان را برای زندگی فردی و جمعی، آماده ساخته و او را در مسیر انسانیت هدایت می‌کند (حمادی و خواب‌جاوید، ۱۳۹۴). ماده ۱۲ بند ۱ اعلامیه حقوق بشر اسلامی در قاهره<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) دانش‌جویی را یک تکلیف و ارائه آموزش را وظیفه جامعه و دولت فرض کرده است و اظهار می‌دارد دولت، می‌بایست راه‌ها و وسایل آموزش را فراهم نموده و تنوع آن را به گونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد، تضمین نماید تا انسان‌ها را با دین مبین اسلام آشنا کند و معرفت حاصله را جهت خیر بشریت به کار گیرد.

نظام‌های آموزش و پرورش ملی (در قرون ۱۹ تا ۲۰ میلادی) نیز عمدتاً به دو طریق متمایز توسعه یافتند: از سویی دولت‌ها در تلاش بودند تا فرصت‌های آموزشی را به نحوی عادلانه و نظام‌مند در بین اقشار مختلف چه به لحاظ اجتماعی و چه به لحاظ جغرافیایی توزیع کرده و گسترش دهند تا گروه‌هایی مثل کودکان روستایی، دختران، آوارگان، اقلیت‌های نژادی، زبانی و معلولین نیز که سابقاً به نوعی از آموزش محروم بوده‌اند بتوانند از این فرصت‌ها بهره‌مند شوند (تارینگر و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶). در این راستا، قرآن نیز، برقراری عدالت در همه زمینه‌ها، از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران دانسته است (حدید: ۲۵). لذا دولت‌های اسلامی نیز باید در بسط و گسترش عدالت در تمام زمینه‌ها از جمله آموزش و پرورش، اهتمام ورزند.

از سوی دیگر، دولت‌ها به تأمین مالی و حمایت از سیاست‌هایی پرداختند که جوانان را ملزم به صرف بخش اعظمی از زمانشان در نظام‌های آموزشی می‌کردند. این سیاست‌ها نوعی سیر تکاملی را از وضع و اجرای قوانین مربوط به کار کودکان و آموزش اجباری تا ابتکار عمل‌های کنونی برای دسترسی همگانی به آموزش و پرورش پیش‌دستانی و حتی دانشگاهی طی کرده‌اند. ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و از جمله مصادیق تاسی از این سیاست‌ها می‌توان به اصول ۳۰ و ۴۳ قانون اساسی اشاره داشت که بر این اساس، دولت موظف است نیازهای اساسی همه مردم از جمله آموزش و پرورش رایگان را برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، فراهم آورد.

---

<sup>۱</sup>. Cairo Declaration on Human Rights in Islam

<sup>۲</sup>. Tharinger, D. J., et al.

از آنجا که آموزش عمومی، کلید توسعه اقتصادی است (شهبازی و مرادی‌مخلص، ۱۳۹۸)، دولت‌ها به اصلاح سیاست‌گذاری‌های خود، پیرامون مدارس دولتی روی آوردند (مک‌گرگور<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). اقدامات و سیاست‌های دولت‌ها در قرن نوزده تا بیست و یک، نیز به همین ترتیب با رجوع به الزامات رقابت‌پذیری اقتصادی و نظامی قابل توجیه است (محمدی‌خیره و رستمی، ۱۳۹۹). مثلاً می‌توان بیان داشت، نیروی محرکه اصلی امواج پی‌درپی اصلاحات آموزشی با هزینه دولت در آمریکا منبعث از نگرانی‌های عمومی در خصوص حفظ توان رقابت با آلمان، روسیه، ژاپن، چین و فنلاند می‌باشد (ریچ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲). رقابت در بین دولت‌ها برای حفظ مزیت رقابتی خود در اقتصاد جهانی، فرمان شروع مسابقه گسترش آموزش و پرورش را صادر کرده و نیاز عمومی به آموزش و پرورش بیشتر و بهتر برای تحقق این خواسته نیز در واقع، به‌نوعی توجیه‌گر ورود جدی دولت‌ها به عرصه آموزش و پرورش شهروندان خود است.

توسعه اقتصادی و صنعتی در این جوامع، ضرورت وجود نیروی کار مجهز به آمادگی‌های لازم و دانش کافی را نمایان ساخت (مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۲؛ هوشمند و همکاران، ۱۳۹۲) و الزام کسب آمادگی‌های لازم توسط کودکان و نوجوانان قبل از ورود به بازار کار را خاطر نشان ساخت. این تقاضا نیز بی‌تردید بر توسعه و کارکرد مدارس جدید آثار قابل توجهی داشته است.

وزارت آموزش و پرورش، ۸۸ درصد مدارس کشور را دولتی و ۱۲ درصد نیز غیردولتی اعلام نموده است (ایرنا، ۱۳۹۹)، اما چالش از آنجایی آغاز می‌شود که نتایج کنکور نشان می‌دهد که ظاهراً در مدارس سمپاد و غیردولتی آموزش با کیفیت‌تر ارائه می‌گردد. از آنجا که یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های دولت اسلامی در عرصه اقتصادی، تبدیل شرایط نامطلوب به شرایط مطلوب (برتر) اسلامی است (فدائی، ۱۳۹۱)، و با توجه به آنچه پیرامون اهمیت تعلیم و تربیت و لزوم توجه به کیفیت آن در اسلام ذکر شد، اهمیت ارتقای کیفی آموزش و پرورش توسط دست‌اندرکاران امر روشن می‌گردد. از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا با تحلیل حدود و ثغور ورود اقتصادی دولت به حوزه

---

<sup>1</sup> McGregor, E. B.

<sup>2</sup> Reich, R.

آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام، با لحاظ شرایط بومی ایران، میزان پشتیبانی بهینه دولت از مدارس و فرصت‌ها و تهدیدات و ضعف‌ها و قوت‌های آن را تبیین نماید.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تأمین مالی آموزش و پرورش شهروندان و اینکه که آیا خود دولت باید از مدارس پشتیبانی کند یا این که این حمایت را از طریق نقش آفرینان دیگری همچون مؤسسات انتفاعی تعهد کند از جمله مباحث پررنگ پیشینه پژوهش است که به نوبه خود سؤالاتی در رابطه با کارایی نسبی و اثرات مربوط به برابری فرصت‌ها در نتیجه پشتیبانی دولتی و خصوصی را وارد جریان می‌کند. از این رو، بررسی برخی از مفاهیم این چنینی برای تبیین مساله ضروری می‌نماید.

برابری آموزشی بر این اصل استوار است که اساساً همه کودکان می‌توانند یاد بگیرند و باید از فرصت‌های برابر برای آموزش برخوردار شوند (کوهن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). در واقع، عدالت آموزشی به روش‌هایی اشاره دارد که دولت برای حمایت از گسترش فرصت‌های آموزشی برابر برای افراد جامعه برمی‌گزیند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). در صورتی که دولت به توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها و دستاوردهای آموزشی، گرایش داشته باشد اقدامات دولت برای پیشبرد این هدف ممکن است یکی از دو شکل زیر را به خود بگیرد: یا دولت به نحوی عمل می‌کند که اطمینان یابد تمام جوانان از آموزش و پرورش با کم و کیف مناسب برای تبدیل آن‌ها به شهروندانی بهره‌ور و محافظت از آن‌ها در برابر فقر برخوردارند (کولکلوف و لوین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳)، و یا برای مواجهه با نابرابری در سیستم، از شیوه‌هایی که گروه‌های خاصی را هدف قرار می‌دهند، استفاده می‌کند (کوهن و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶) و با لحاظ این که عدالت، صرفاً مساوات نیست، دولت می‌تواند از طریق نوعی سرمایه‌گذاری عمومی، با هدفمندسازی یارانه‌ها و جهت‌دهی آن به سمت گروه‌های خاص (به‌جای پشتیبانی همگانی)، برای تحقق اهداف عدالت‌طلبانه‌ای از این دست اقدام کند. البته چنان‌چه بالوه<sup>۴</sup> (۱۹۹۴)، و یاشارنل و حبیبیان‌نقیبی (۱۳۹۵) هم اشاره می‌کنند

---

<sup>۱</sup> Cohen, J. E., et al.

<sup>۲</sup> Colclough, C., & Lewin, K.

<sup>۳</sup> Cohen, J. E., et al.

<sup>۴</sup> Ballve, F.

دولت در مقایسه با بازارهای خصوصی می‌تواند در زمینه تخصیص و توزیع عادلانه منابع، ایجاد دسترسی برابر به خدمات، تصمیم‌گیری‌های غیرمنفعت‌طلبانه به سود مصرف‌کنندگان، تدوین سیاست‌های پرسنلی مناسب و روابط کاری همیارانه، بهتر عمل کند.

این که اصولاً دولت چه نقشی باید در اقتصاد داشته باشد همیشه محل بحث و مناقشه جدی بوده و تعیین کم و کیف آن بسته به تعلق هر یک از اندیشمندان مدیریت و اقتصاد به نحله‌های فکری و فلسفی و مشرب‌های سیاسی و ... متفاوت بوده است. مثلاً اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک اصولاً با هر نوع فعالیت اقتصادی دولت مخالف بودند و باور داشتند که دولت‌ها نباید در امور اقتصادی دخالت نمایند و نظام اقتصادی هر جامعه قادر است به تنهایی کلیه وظایف لازم را انجام داده و به تعادل دست یابد (عمادزاده، ۱۳۸۲). آنان معتقد بودند هر گونه دخالتی از سوی دولت، اقتصاد را از شرایط تعادلی خارج ساخته و پیامدهای نامطلوبی برای جامعه خواهد داشت. اما امروزه برخی اقتصاددانان معتقدند دولت در زمینه اقتصاد تنها در زمینه‌های زیر مجاز به ورود و فعالیت هستند: الف) فعالیت‌هایی که به ثبات اقتصادی منجر می‌شوند ب) فعالیت‌هایی که زمینه توزیع عادلانه‌تر درآمدها را فراهم می‌کنند و ج) تخصیص منابع جهت تولید کالاهای عمومی (فریدمن، ۱۳۸۰).

عموماً دولت‌ها تلاش می‌کنند تا در تولید و توزیع کالاهای عمومی، نقش فعال‌تری داشته باشند؛ در حالی که در برابر کالاهای خصوصی چنین مسئولیتی را احساس نمی‌کنند (عمادزاده، ۱۳۸۲). لذا می‌توان گفت یکی از نقش‌های پذیرفته شده برای دولت در عرصه اقتصاد، تأمین کالاهای عمومی است (استیگلتز و روزنگارد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵) که به صورت جمعی مصرف شده و در اختیار تمام اقشار جامعه قرار می‌گیرند و دولت برای استفاده عموم مردم به تولید و توزیع آن همت می‌گمارد و روشنایی معابر، نمونه‌ای از آن است (ویزی، ۱۳۶۱). رقابت‌ناپذیری و فراگیری (غریبالناپذیری) از جمله ویژگی‌های کالاهای عمومی است (پژویان، ۱۳۶۹). لذا مصرف این قبیل کالاها غیررقابتی است؛ بدین معنا که مقدار مصرف‌شده توسط یک نفر، تأثیری بر مقدار مصرف سایرین ندارد. مثلاً اضافه شدن شنوندگان جدید به یک برنامه رادیویی، ارزش خدمات قابل ارائه به شنوندگان فعلی را

---

<sup>1</sup>. Stiglitz, J. E., & Rosengard, J. K.

کاهش نمی‌دهد. مصرف کالاهای عمومی، غربال‌پذیر هم نیست؛ یعنی فراگیر است؛ بدین مفهوم که پس از تولید این کالاها، امکان ایجاد مانع برای مصرف آن وجود ندارد و همه اقشار به نحو یکسان از خدمات آن بهره می‌برند (عمادزاده، ۱۳۸۲).

اما کالاهای خصوصی، هم رقابت‌پذیر و هم غربال‌پذیر (غیرفراگیر) هستند. تأمین کالاهای خصوصی نیز از سوی مؤسساتی صورت می‌گیرد که آشنا به بازار کالای مورد نظر می‌باشند. خریداران و فروشندگان نیز انگیزه‌های قوی برای بروز سلیق و ترجیحات واقعی خود دارند و تعاملات فی‌مابین آنها تعیین‌کننده میزان تولید یا فروش کالا و خدمات است.

اما از آنجا که کارایی ساز و کار قیمت‌گذاری بازار، در قبال کالاهای غیررقابتی و غربال‌ناپذیر، محل تردید و سؤال جدی است، لذا کالاهای صرفاً عمومی باید توسط دولت تأمین سرمایه شوند. وقتی مصرف کالایی، غیررقابتی است، در واقع بدین معناست که کالای مورد نظر برای مصرف‌کنندگان کمیاب نیست و تخصیص آن نیز وابسته به ترجیح و اقبال بیشتر از سوی کسی نسبت به آن کالا نیست. وقتی که مصرف کالایی نیز غربال‌ناپذیر باشد به این مفهوم است که امکان منع مصرف‌کنندگان از استفاده آن کالا وجود ندارد، چه آنها وجهی برای آن پرداخت کرده باشند و یا خیر. ناگفته پیداست که تحت چنین شرایطی، مصرف‌کنندگان، ترجیحات و سلیق خود را بروز نخواهند داد و در عوض، محرک‌های فراروی آنها باعث تبدیل مصرف‌کنندگان به کسانی می‌شود که با سوءاستفاده از شرایط، بدون پرداخت هزینه و یا با پرداخت حداقل بهای ممکن برای حمایت از تأمین آن کالا در واقع نوعی سواری رایگان می‌گیرند (اولسون<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱). لذا می‌توان گفت اتکای صرف به بازار آزاد برای تولید کالاهای عمومی، منجر به عدم تولید و یا تولید حداقلی این قبیل کالاها خواهد شد و آموزش و پرورش نیز در صورتی که کالای عمومی فرض شود از این امر مستثنی نیست.

در اسلام دسترسی به آموزش و پرورش برای همه، حق اساسی مردم به‌شمار می‌رود (دریکوند، ۱۴۰۱). بنابر نص صریح قرآن کریم، پیامبر اسلام (ص) برای انجام رسالت خود از مردم هزینه‌ای دریافت نمی‌کرد (یس: ۲۱؛ شعراء: ۱۰۹؛ انعام: ۹۰) و حق آموزش و پرورش برای همه بایستی به بهترین شکل خود تأمین گردد و از آنجا که هزینه جاری

---

<sup>۱</sup>. Olson, M.



دولت‌ها در تمام امور رو به افزایش است ممکن است دولت‌ها به تنهایی نتوانند از پس این امر خطیر برآیند، بنابراین لزوم مشارکت و حضور بخش خصوصی و مردم در این عرصه بیش از پیش احساس می‌شود؛ آیات و روایات اسلامی نیز بر لزوم تقسیم وظایف و مشارکت و تعاون، صحه می‌گذارند (مائده: ۲؛ نهج‌البلاغه: ن ۵۳، خ ۲۱۶). لذا، دولت‌ها مسئول فراهم کردن امکان دسترسی به آموزش و پرورش برای همه افراد هستند، اما در عین حال، لزوم فعالیت مراکز آموزشی و مدارس به صورت خصوصی و تحت نظارت نهادهای اقتصادی بیش از گذشته است. از این رو می‌توان با دیدی بینابینی و بدون تعصب آموزش و پرورش را کالایی نیمه‌خصوصی دانسته (عمادزاده، ۱۳۸۲)، و بر نقش پررنگ جامعه و دولت در نظارت بر روند فعالیت مدارس و مراکز آموزشی خصوصی تاکید داشت.

البته انتقاداتی نیز به این رویه وارد است و از آن جمله، فریدمن (۱۳۸۰) بحث‌هایی از پشتیبانی دولتی آموزش و پرورش را احیا کرد که در اصل ریشه در مباحث اسمیت (۱۷۷۶)، دارد. از نظر وی، دو توجیه عمده برای ورود اقتصادی دولت به عرصه آموزش و پرورش وجود دارد: وی ابتدائاً به تشریح پیامدهای خارجی مثبت مدارس، شامل مهارت‌های پایه و ارزش‌های محوری لازم برای ثبات جامعه می‌پردازد و در ادامه به نگرانی پدران دولت در باب رفاه اجتماعی فرزندان اشاره می‌کند که شاید والدین آن‌ها آن‌طور که باید نمی‌توانند منافع آن‌ها را در عمل تأمین کنند. وی بر این باور است که این نگرانی‌ها تضمین‌گر تأمین سرمایه و حداقل مقرری از سوی دولت برای نظام آموزش و پرورش است اما به مفهوم تک‌قطبی دولتی و انحصارگرایی در پشتیبانی از مدارس نیست.

ناگفته پیداست همان‌گونه که پشتیبانی دولتی به ادعای ناکامی بازار بستگی دارد، عدم پشتیبانی دولتی نیز متکی بر ادعای ناکامی دولت است (تالوک و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). ناکارآمدی در ایجاد و ارائه خدمات، نابرابری در پشتیبانی، عینیت بخشیدن به انتظارات سطح پایین و بهره‌کشی معلمانی که از موقعیت خود و اعتماد دیگران سوء استفاده می‌کنند تا با هزینه دانش‌آموزان به منافع خود برسند، از جمله مصادیق ناکارآمدی مدارس تحت نظارت دولت در این عرصه است، که عموماً مغایر با ارزش‌ها و اصول اسلامی نیز می‌باشند (نساء: ۵۸؛ اعراف: ۲۹؛ حدید: ۲۵؛ مطفین، ۱؛ بقره: ۱۸۸؛ نهج‌البلاغه: خ ۲۲۴؛ ن ۵۳).

---

<sup>1</sup>. Tullock, G., et al.

اصولاً به دو دلیل می‌توان ادعا کرد که پشتیبانی دولتی از مدارس در مقایسه با پشتیبانی بازار، کارایی کمتری دارد: اول این که عدم وجود رقابت در سیستم آموزش و پرورش دولتی، انگیزه بهبود و نوآوری را به شدت تحلیل می‌برد (آغیون و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). در بازاری که مدارس مجبور به رقابت با یکدیگر برای کسب حمایت والدین هستند، علائم معناداری از سوی مصرف‌کنندگان در خصوص کیفیت تعلیم و تربیت صادر می‌شود و چالش برای رقابت بر سر جذب دانش‌آموزان، مدارس را به سمت کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفیت و نوآوری سوق می‌دهد (وست<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷). انتظار می‌رود که رقابت در کوتاه‌مدت، ارائه‌دهندگان آموزش را وادار به تلاش بیشتر برای تخصیص کارآمدتر منابع و اخذ تصمیمات بهتر نماید؛ اما واقعیت آن است که بازار رقابتی برای آموزش و پرورش در بلندمدت نیز می‌تواند مدارس را بیش از پیش پذیرای ورود والدین به عرصه تعلیم و تربیت کند و به آنها انگیزه دهد تا برای موفقیت دانش‌آموزان اطلاعات بهتر و بیشتری ارائه دهند و به معلمانی که بهره‌وری بیشتری دارند حقوق و مزایای بالاتری پرداخت کنند؛ همچنین می‌تواند مدارس را به سمتی ببرد که روش‌های آموزشی غیراثربخش را کنار بگذارند و کیفیت آموزش را ارتقا بخشند (هاگزی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳).

مدافعان سیاست‌های مبتنی بر بازار آزاد در عرصه آموزش و پرورش بر این باورند که اتکای بیشتر به بازار می‌تواند کیفیت کلی نظام آموزش و پرورش را بهبود بخشد (هاول و پیترسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). والدین متمول‌تر، قادر به انتخاب مدارس برای فرزندانشان هستند، چه از طریق نقل مکان به منطقه‌ای که مدرسه مورد نظر در آن قرار دارد و چه از طریق گسیل فرزندانشان به مدارس خصوصی. لذا این تنها فرزندان خانواده‌های کم‌درآمد هستند که تحت نظام فعلی پشتیبانی دولتی از مدارس از حق انتخاب مدرسه دلخواه خود محروم می‌شوند و نهایتاً این افراد، مجبور به ثبت‌نام در مدارسی می‌شوند که دارای عملکرد پایین و حداقل مطلوبیت هستند (لاد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). گشودن درهای سیستم به روی پشتیبانان بیشتر با افزایش تعداد و تنوع مدارس قابل دسترسی برای خانواده‌های کم‌درآمد عملاً به نفع این

---

<sup>1</sup>. Aghion, P., et al.

<sup>2</sup>. West, E.

<sup>3</sup>. Hoxby, C.

<sup>4</sup>. Howell, W. G., & Peterson, P. E.

<sup>5</sup>. Ladd, H. F.

قشر عمل خواهد کرد (تولی و دیکسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)؛ چرا که به والدین، حق انتخاب بیشتر و بهتری در رابطه با مدارس موردنظر برای تحصیل فرزندانشان می‌دهد و شانس موفقیت اقتصادی آتی را برای فرزندان اقشار کم‌درآمد، افزایش می‌دهد (وست<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷).

این احتمال وجود دارد که بازارهای رقابتی به دلایل گوناگونی اعم از وجود پیامدهای اجتماعی منفی و مثبت، و صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، نتوانند سطح بهینه کالا یا خدمتی را ارائه کنند.

هنگامی که اقدامات شخصی یک فرد یا مجموعه، دیگران را به نحو مثبت یا منفی متأثر سازد، نشانه وجود پیامدهای اجتماعی یا بیرونی است. این قبیل هزینه‌های بیرونی بعضاً قابل توجه و اساسی بوده و ممکن است اقدام دولتی، بهترین راه برای کسب اطمینان از لحاظ آنها در تصمیمات باشد (کوآس<sup>۳</sup>، ۱۹۶۰). تصمیمات ظاهراً شخصی در رابطه با آموزش و پرورش، پیامدهای اجتماعی بسیار زیادی برای جامعه فرادست خود دارد که منافع آن بسیار بالاتر و بیشتر از آن چیزی است که صرفاً عاید خود دانش‌آموز می‌شود. با این حال، افراد مختلف در بررسی میزان تحصیلات مورد نیاز خود، فارغ از فواید اجتماعی که آموزش آنها متوجه دیگران می‌سازد، بر مبنای تحلیل هزینه-فایده شخصی خود اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند. واگذاری حق انتخاب در خصوص آموزش و پرورش به خود افراد در یک بازار خصوصی آزاد نیز به نوبه خود می‌تواند در ضمن، بسترساز سطح بهینه سرمایه‌گذاری آموزشی در جامعه به عنوان یک کل مشتمل بر افراد گردد. در سال‌های اخیر نیز، مشارکت بخش خصوصی در توسعه سیاست و برنامه آموزش برای همه، به عنوان ابزاری کارآمد تلقی می‌گردد (کادل و اشلی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

ادبیات اقتصاد کلان، مملو از مطالبی است که از آموزش و پرورش به عنوان دروندادی کلیدی یاد می‌کنند که قادر به جهت‌دهی تغییرات فناوری و رشد اقتصادی است (کروگر و لیندال<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱؛ هال و جونز<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹). تا جایی که کارکرد آموزش و پرورش چنین باشد، اقدام دولت در بهسازی و گسترش آموزش و پرورش به واسطه ارتقای

---

<sup>۱</sup> Tooley, J., & Dixon, P.

<sup>۲</sup> West, E.

<sup>۳</sup> Coase, R.

<sup>۴</sup> Caddell, M., & Ashley, L. D.

<sup>۵</sup> Krueger, A., & Lindahl, M.

<sup>۶</sup> Hall, R. E., & Jones, C.

سطح رشد اقتصادی از این مجرا کاملاً قابل توجه بوده و حتی مورد حمایت مالی افزون‌تر نیز قرار می‌گیرد تا افزایش بهره‌وری و رشد تولید ناخالص ملی از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش را به بار آورد (هانوشک و کیمکو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰).

لزوم اقدام دولتی برای عینیت یافتن فواید اجتماعی آموزش و پرورش کاملاً احساس می‌شود و دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی شهروندان فرهیخته و تحصیل کرده می‌تواند دولت را در ترغیب مردم به تحصیل بیشتر مصمم‌تر سازد. البته حتی در غیاب اقدام دولتی نیز انگیزه‌های شخصی قوی و فزاینده برای سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش کفایت لازم را برای پیش‌برد این امر خواهند داشت.

صرفه‌جویی ناشی از مقیاس زمانی بروز می‌یابد که میانگین هزینه کل تولید، با افزایش خروجی، کاهش یابد (پوررستمی، ۱۳۹۹). این امر در آموزش و پرورش بدین معنا است که نواحی آموزشی و مدارس بزرگ‌تر با هزینه سرانه کمتری مواجه خواهند بود. مثلاً مدارس بزرگ‌تر با سرشکن کردن هزینه‌ها به‌روزی خانواده‌های بیشتر، توانایی بیشتری برای تأمین مالی آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌های خود خواهند داشت. جمع‌آوری و سازماندهی اطلاعات و تدوین یک برنامه درسی نیز دارای صرفه‌جویی‌های اقتصادی بالقوه ناشی از مقیاس هستند (کلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). در جایی که صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در ارائه خدمات آموزشی وجود دارد ممکن است قوای بازار دچار نوعی تک‌قطبی شوند؛ چرا که در این صورت مدارس کوچک‌تر توسط مدارس با ثبات‌تر و بزرگ‌تر دولتی به حاشیه رانده می‌شوند. در این حالت یا باید دولت در تک‌قطبی ایجادشده به حمایت از مدارس بزرگ‌تر ادامه دهد و یا این که به نحوی زمینه را برای نقش‌آفرینی بیشتر و بهتر مدارس کوچک‌تر نیز فراهم آورد.

با مقایسه آموزش در مدارس دولتی و مدارس خصوصی که توسط بخش خصوصی با نظارت دولت، اداره می‌شوند، عملکرد نسبتاً مطلوب بخش خصوصی، که موجب تحریک نوآوری‌های آموزشی شده، روشن می‌گردد (لویبسنسکی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹)، و این امر در گرایش مردم به ثبت‌نام فرزندانشان در مدارس غیردولتی نیز بروز می‌یابد. همچنین عده‌ای بر این باورند که حتی از نظر تحصیلی، مدارس خصوصی از برتری نسبی به مدارس دولتی

---

<sup>۱</sup>. Hanushek, E., & Kimko, D.

<sup>۲</sup>. Kelly, A. V.

<sup>۳</sup>. Lubienski, C.

برخوردارند (مهروترا و پنچاموکی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ کلمن و هوفر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷)، در ایران نیز، سهم ناچیز مدارس دولتی در نفقات برتر کنکور سراسری، کیفیت زندگی تحصیلی، تعاملات بین معلم و دانش‌آموز و نیز تعاملات اولیا با مدارس تاییدی بر این گزاره است. همچنین بر اساس نتایج ارزشیابی‌های بین‌المللی، عملکرد ضعیف دانش‌آموزان ایرانی در زمینه خواندن، درک مطلب و ریاضیات (مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز، ۱۴۰۲)، گواه عدم کفایت حمایت دولتی است و باید از طریق ارائه امکان انتخاب‌های بیشتر و افزایش رقابت در نظام آموزشی جبران شود (والبرگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷).

با این حال دولت می‌تواند با رعایت شرایطی، بهتر از بازار آزاد به پشتیبانی کارآمدتر آموزش و پرورش پردازد (بلفیلد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰)؛ **اول** این که دولت باید بتواند برخی خدمات دیگر را در قالب آموزش و پرورش جمع کند، خدماتی مثل آزمایشات بهداشتی برای سنجش بینایی و شنوایی و ... از آن‌جا که دولت ضمن ارائه مزایای رفاهی، بیمه بیکاری نیز می‌پردازد، پشتیبانی عمومی از آموزش و پرورش که این قبیل تعهدات مالی را کاهش دهد هم می‌تواند به عنوان نوعی از جمع خدمات اجتماعی و آموزشی در نظر گرفته شود. **دوم** این که اگر درک افراد از دولت این باشد که تعهدی بلندمدت برای آموزش و پرورش شهروندان ندارد، باید بیش از مؤسسات خصوصی که در یک بازار رقابتی در آمد و شد هستند به دولت اعتماد شود. چنان‌چه شلیفر<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) نیز عنوان می‌کند، اگر مصرف‌کنندگان برای تشخیص کیفیت محصول با مشکل مواجه باشند، تولیدکنندگان نیز باید برای حفظ حسن شهرت خود تلاش بیشتری کرده و قادر به افزایش تقاضا برای خدمات خود نخواهند بود. **سوم** این که صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس می‌تواند به تک‌قطبی آموزشی و نوعی انحصارگرایی منجر شود که بهتر است توسط دولت اداره شود تا مؤسسه‌ای که در پی سود است. **چهارم** این که پشتیبانان دولتی می‌توانند عدم تقارن اطلاعاتی و قدرت چانه‌زنی بین مردم و مدارس را هم تعدیل کنند. اسلام نیز بر مشارکت متقابل دولت و مردم در امور تاکید ورزیده است (نهج البلاغه: خ ۲۱۶)، لذا حضور همزمان دولت و بخش خصوصی در اقتصاد آموزش و پرورش منافاتی ندارد و مانع‌الجمع نیست.

---

<sup>1</sup> Mehrotra, S., & Panchamukhi, P. R.

<sup>2</sup> Coleman, J. S., & Hoffer, T.

<sup>3</sup> Walberg, H. J.

<sup>4</sup> Belfield, C. R.

<sup>5</sup> Shleifer, A.

از سوی دیگر، جینتیس<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، تصدیق می‌کند که بازار آزاد و رقابتی، بهتر می‌تواند پاسخگوی سلاقی و ترجیحات والدین باشد. وی بر این باور است که اقدام دولتی گسترده برای اطمینان از تعادل و کارایی بازار آزاد ضرورت دارد. او همچنین مداخلات نظم‌دهنده‌ای را با هدف افزایش حق انتخاب مدارس و تسکین خرابی‌های بازار در نتیجه تخطی از پنج فرض اساسی پیشنهاد می‌دهد. مفروضات مذکور شامل موارد زیر می‌باشند:

وجود تولیدکنندگان متعدد: اولاً دولت می‌تواند به هزینه‌های ایاب و ذهاب دانش‌آموزان یارانه اختصاص دهد. ثانیاً می‌تواند به مدارس جدید وام‌های کم بهره اعطا کند و یا ساختمان بسازد و آن را به تأمین‌کنندگان اجاره دهد. ثالثاً دولت می‌تواند مدارس را مجبور به اشتراک کلاس‌ها، تجهیزات ورزشی و یا دیگر منابع بکند تا حداقل فضای فیزیکی مورد نیاز برای مدارس را کاهش دهد.

شناخته‌شدن کیفیت محصول: برای این که مدارس جهت دریافت کمک‌ها و شهریه دولتی به رسمیت شناخته شوند، باید ملزم شوند تا برای کسب شاخص‌های استاندارد عملکرد از قبیل نمرات امتحانی، نرخ دوام و نرخ فارغ‌التحصیلی اقدام کنند. در این خصوص می‌توان مدارس را برای ارائه اطلاعاتی در رابطه با اعتبار معلمان، امنیت و استحکام ساختمان مدرسه و روش‌های تدریس نیز ملزم ساخت.

شناخت مصرف‌کنندگان از سلاقی و ترجیحات خود: وقتی که محرز شد والدین دانش‌آموزی به لحاظ قانونی، صلاحیت اتخاذ تصمیمات صحیح در مورد فرزندانشان را ندارند باید یک قیم قانونی انتخاب شود تا این وظیفه را به انجام برساند و مدارسی که بدون توجه به عواقب اقدام خود، والدین را گمراه می‌سازند باید جریمه شوند و نیز مدارس باید از میدان دادن به والدینی که سلاقی شخصی خود را برخلاف علایق فرزندانشان در مورد آن‌ها اعمال می‌کنند منع شوند.

وضع قیمت‌ها به نحوی که عرضه و تقاضا برابر شود: قیمت تحصیلات در واقع، همان مقرری است که توسط دولت برای آن تعیین و پرداخت می‌شود. نگرانی اقتصاددانان از آن جهت است که به‌واسطه عدم پرداخت هزینه برای آموزش و پرورش توسط والدین و استفاده از کمک‌هزینه تحصیلی دولتی، آن‌ها در غیاب یک ساز و کار توزیعی کارآمد و مناسب، بیش از آنچه که باید از منابع دولتی به نفع خود استفاده کنند. البته به واسطه

---

<sup>۱</sup>. Gintis, H.

پیامدهای اجتماعی مثبت آموزش و پرورش، عموماً این چنین فرض می‌شود که مصارف آموزشی والدین از محل کمک‌های دولتی برای فرزندان‌شان نه تنها خیلی زیاد نیست بلکه بسیار کم نیز هست.

فرض آموزش و پرورش به‌عنوان یک کالای خصوصی: برخی نگران آنند که والدین در اتخاذ تصمیم راجع به تحصیل فرزندان‌شان فقط فواید خصوصی آن را در نظر بگیرند؛ چرا که آموزش و پرورش، منافع خصوصی و هم منافع اجتماعی را توأمان در بر دارد. وضع برخی قوانین در این رابطه می‌تواند از طریق الزام مدارس به تدوین نوعی برنامه درسی با برجسته‌سازی ارزش‌های اجتماعی، مزایای اجتماعی آموزش و پرورش را نیز ارتقای دهد.

### ۳. روش

برای تعیین نقش دولت در اقتصاد آموزش و پرورش بایستی ابتدا به فهم کلی، علمی و روشمند از وضعیت موجود رسید و با آسیب‌شناسی و اولویت‌بندی نقاط ضعف و قوت و تهدیدها و فرصت‌های آن به برنامه‌ریزی و ارائه راهبرد پرداخت. تحلیل وضعیت موجود، نقطه شروع تدوین استراتژی است؛ چرا که قبل از تدوین استراتژی برای آینده، بایستی حال را درک کرد. از این منظر؛ پژوهش حاضر با کاربست یکی از مرسوم‌ترین روش‌های تحلیل وضعیت موجود به نام ماتریس سوات<sup>۱</sup> که مبتنی بر شناخت نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهاست به تحلیل نقاط ضعف و قوت (وضعیت درون‌سازمانی) و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها (تحلیل وضعیت برون‌سازمانی) در خصوص نقش اقتصادی دولت در آموزش و پرورش با تاکید بر دیدگاه اسلام پرداخته و راهبردهای حاصل از این تحلیل را ارائه نموده است.

بدین منظور، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی صورت گرفته و در ابتدا از طریق فیش‌برداری مطالعات کتابخانه‌ای، تعاریف، تحلیل‌ها، مفاهیم و مبانی نظری استخراج شدند. سپس با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته متشکل از ۵ سوال به بررسی دیدگاه‌های متخصصان امر در زمینه نقش اقتصادی دولت در آموزش و پرورش با تاکید بر دیدگاه اسلام پرداخته شد. مصاحبه‌شوندگان ۸ نفر از اعضای هیات علمی رشته اقتصاد و

---

<sup>۱</sup>. SWOT

یا صاحب‌نظر در حوزه اقتصاد آموزش و پرورش، ۵ دانشجوی دکتری اقتصاد و مدیریت آموزشی، و ۲ کارشناس متخصص اقتصاد آموزش و پرورش بودند، که از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شدند و با اشیاع داده، نمونه‌گیری متوقف شد.

سوالات مصاحبه به شرح ذیل بود:

۱. نقش و جایگاه دولت در نظام آموزش و پرورش آموزش و پرورش به‌ویژه از جهت تأمین مالی و منابع آن چیست و وضعیت فعلی آموزش و پرورش ایران را از این جهت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۲. نقاط قوت و ضعف (درونی) ورود یا عدم ورود جدی دولت در تأمین مالی آموزش و پرورش چیست و آیا ورود اقتصادی از نوع فعلی دولت به آموزش و پرورش نقشی در ارتقاء کیفیت آن داشته است؟

۳. تهدیدها و فرصت‌ها (بیرونی) و پیامدهای ورود یا عدم ورود دولت به تأمین مالی و ایفای نقش در اقتصاد آموزش و پرورش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۴. چه اقدامات و راهبردهایی را جهت بهینه‌سازی نظام تأمین مالی آموزش و پرورش کشور با هدف ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش پیشنهاد می‌کنید؟

۵. دیدگاه‌های اسلامی در خصوص ورود نظام حکمرانی به عرصه آموزش و پرورش از بعد سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت بر آن را به‌ویژه از جهت مالی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در ادامه، متن مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل مضمون، مصادیق و مولفه‌های نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای ورود اقتصادی دولت به آموزش و پرورش با تأکید بر دیدگاه اسلام، استخراج گردیدند. واکاوی و تحلیل متون مصاحبه با دقت بالا صورت پذیرفت و جهت تأیید روایی محتوایی و صوری تحلیل مصاحبه‌ها، از نظرات پنج متخصص که عضو هیات علمی متبخر در اقتصاد آموزش و پرورش و یا اقتصاد عمومی بودند بهره گرفته شد.

۴. یافته‌ها



با بهره‌گیری از ماتریس سوات بر اساس تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته، نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای نقش اقتصادی دولت در آموزش و پرورش با تاکید بر دیدگاه اسلام استخراج شدند که خلاصه آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ابعاد و مولفه‌های تحلیل نقش اقتصادی دولت در آموزش و پرورش با تاکید بر دیدگاه

| اسلام براساس فن تحلیل سوات   |  |
|--|--|
| تهدیدها (T)  | فرصت‌ها (O) محیط بیرونی  |
| T1. عدم همکاری یا همکاری حداقلی با بخش خصوصی و اتحادیه‌ها  | O1. گسترش آموزش و پرورش و موسسات آموزشی دولتی  |
| T2. کاهش دسترسی به منابع، تخصص و ایده‌های نوآورانه   | O2. همسویی اهداف آموزش و پرورش با اهداف نظام حکمرانی   |
| T3. دشواری تحقق هدف آموزش برای همه از این طریق   | O3. کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی  |
| T4. بودجه محدود دولت برای آموزش  | O4. حذف رقابت با بخش خصوصی برای تمرکز بر اهداف دیگر  |
| T5. مکانیسم‌های نظارت و پاسخگویی ناکافی دولت در حوزه اقتصاد  | O5. ایجاد محیط‌های یادگیری یک‌دست و فراگیر   |
| T6. کاهش مشارکت و حمایت جامعه و بخش خصوصی  |  |
| T7. امکان کاهش بودجه آموزش و پرورش در نارضایتی اجتماعی   | محیط درونی   |
| استراتژی‌های (ST)  | استراتژی‌های (SO)  |
| ۱. تقویت همکاری دولت و بخش خصوصی به منظور توسعه برنامه‌هایی که به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و ایفای تعهدات دولت در زمینه آموزش و پرورش منجر می‌گردند (T4 و S3) | ۱. استفاده از منابع پایدار دولت برای تقویت زیرساخت‌های آموزشی (O1 و S6 و S1) ۲. افزایش بودجه آموزش و پرورش در لایحه بودجه دولت (O3 و O4) ۳. انطباق با تغییرات سیاست‌ها و |
|  | قوت‌ها (S)   |
|  | S1. تضمین حمایت و منابع پایدار دولت<br>S2. تدوین سیاست‌های هماهنگ‌تر با مبانی اسلام در آموزش و پرورش<br>S3. تلاش دولت جهت اجرای تعهدات اجتماعی و                         |

|  |  |   |
|--|--|---|
| <p>۲. طراحی سیاست‌ها و قوانین همکاری با بخش خصوصی با بهره‌گیری از دیدگاه‌های اسلامی (T1 و S2)</p> <p>۳. بهینه‌سازی بودجه و برنامه‌ریزی دقیق برای هزینه‌های مالی و افزایش همکاری با نهادها و سازمان‌های مرتبط دولتی و خصوصی جهت بهبود دسترسی به آموزش برای همه (S3 و S6 و T3)</p> <p>۴. افزایش سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی و درآمد ناخالص داخلی (S1 و S5 و T1 و T7)</p> <p>۵. ارائه مشوق‌هایی به بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش (S3 و S5 و T6)</p> | <p>قوانین دولتی مرتبط با اقتصاد آموزش و پرورش و تدوین برنامه‌های استراتژیک جهت تطبیق بهتر با آنها (S5 و O1)</p> <p>۴. ایجاد همکاری اثربخش بین نهادهای مختلف و افراد مرتبط برای ارتقاء محیط یادگیری مشترک و فراگیر (S7 و O5)</p>  | <p>تامین اقتصادی آموزش و پرورش (یا تعهد دولت به توسعه آموزش و پرورش) S4. ترویج بیشتر همگرایی و اتحاد و انسجام ملی و کمک به تشکیل سرمایه اجتماعی S5. توان تنظیم‌گری و تقنینی دولت در اقتصاد آموزش و پرورش</p> <p>S6. توسعه و دسترسی بیشتر به زیرساخت‌ها و منابع انسانی</p> <p>S7. عدم نگاه مصرفی و انتفاع مالی از آموزش و پرورش</p>  |
| <p><b>استراتژی‌های (WT)</b></p> <p>۱. ایجاد ارتباط نزدیک‌تر بین دولت و جامعه از طریق ارتقاء شفافیت، ارائه اطلاعات مناسب و جلب اعتماد جامعه (W1 و T6)</p> <p>۲. فرهنگ‌سازی برای ایجاد رقابت در راستای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش (W1 و W2 و T2)</p> <p>۳. ترویج مشارکت اجتماعی در توسعه و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آموزش و پرورش به منظور افزایش رضایتمندی از نتایج آموزشی (W1 و W8 و T1 و T4)</p> <p>۴. ایجاد بستر مناسب و ارائه</p>                                  | <p><b>استراتژی‌های (WO)</b></p> <p>۱. انعقاد توافق‌نامه‌هایی با بخش خصوصی جهت بهره‌مندی از تجربه و دانش آنها (W1 و O4)</p> <p>۲. ایجاد سیستم هوشمند جهت کاهش ناکارآمدی بوروکراتیک و دوام استانداردهای آموزشی با توجه به مقررات دولتی (W4 و W5 و O1)</p> <p>۳. ایجاد منابع درآمدی غیردولتی برای موسسات آموزشی (W6 و O1)</p> <p>۴. ایجاد سامانه‌ها و مکانیسم‌های نظارتی مستقل و ایجاد فرصت برای موسسات مردم‌نهاد در فرآیند تدوین محتوا (W8 و</p> | <p><b>ضعف‌ها (W)</b></p> <p>W1. عدم توانایی دولت در پوشش همگانی آموزش</p> <p>W2. کمبود امکانات فنی و حرفه‌ای بخش دولتی</p> <p>W3. کاهش نوآوری و سازگاری با شرایط پویا</p> <p>W4. ناکارآمدی بوروکراتیک</p> <p>W5. کند شدن روند تصمیم‌گیری</p> <p>W6. وابستگی اقتصاد دولتی به نفت و اجتناب از منابع دیگر</p> <p>W7. عدم اتفاق نظر اسناد بالادستی در نقش اقتصادی دولت در آموزش و پرورش</p> |

|                          |   |
|--------------------------|---|
| W8. سوگیری حمایتی در O4) | بسته‌های تشویقی برای ایده‌های نوآورانه در حوزه اقتصاد آموزش و پرورش (W3 و T2)   |
| تدوین محتوای آموزشی      | ۵. استفاده از منابع خارجی و همکاری با سازمان‌ها یا اشخاص حقوقی و بخش خصوصی (W1) |
|                          | و T4)   |

بر اساس تحلیل SWOT به عمل آمده، در مجموع ۱۸ استراتژی، شامل ۴ استراتژی SO، ۵ استراتژی ST، ۴ استراتژی WO و ۵ استراتژی WT برابر جدول ۱ تدوین گردید. برای تهیه فهرست استراتژی‌های ارجح، ابتدا استراتژی‌های حاصل از نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات پرسیامد شناسایی شده، سپس استراتژی‌های استخراج شده توسط پنج متخصص که عضو هیات علمی متبحر در اقتصاد آموزش و پرورش بودند، مورد بازنگری قرار گرفت. به علت تعدد و همپوشانی موضوعی برخی از استراتژی‌ها و همچنین ماهیت عملیاتی برخی دیگر، ضمن انتقال به فهرست برنامه‌ها و ابتکارات اجرایی، تعداد ۷ استراتژی ارجح پرسیامد توسط متخصصان عضو هیات علمی مشارکت‌کننده در این پژوهش به شرح ذیل انتخاب گردیدند:

- ۱) افزایش سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی و درآمد ناخالص داخلی
- ۲) انطباق با تغییرات سیاست‌ها و قوانین دولتی مرتبط با اقتصاد آموزش و پرورش و تدوین برنامه‌های استراتژیک جهت تطبیق بهتر با آنها
- ۳) طراحی سیاست‌ها و قوانین همکاری با بخش خصوصی با بهره‌گیری از دیدگاه‌های اسلامی
- ۴) ارائه مشوق‌هایی به بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش
- ۵) بهینه‌سازی بودجه و برنامه‌ریزی دقیق برای هزینه‌های مالی و افزایش همکاری با نهادها و سازمان‌های مرتبط دولتی و خصوصی جهت بهبود دسترسی به آموزش برای همه
- ۶) انعقاد توافق‌نامه‌هایی با بخش خصوصی جهت بهره‌مندی از تجربه و دانش آنها
- ۷) ایجاد ارتباط نزدیک‌تر بین دولت و جامعه از طریق ارتقاء شفافیت، ارائه اطلاعات کافی و جلب اعتماد جامعه

متاسفانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) به جز در مواردی معدود (بند ۵ راهبردهای کلان، بند ۹ هدف‌های عملیاتی، بیانیه مأموریت) توجه جدی به اقتصاد آموزش و پرورش نداشته و نقش دقیق اقتصادی دولت در آموزش و پرورش و کم و کیف مشارکت مردم در آن در حاله‌ای از ابهام قرار دارد که البته برخورداری از اندکی ابهام از ویژگی راهبردهاست و گویی سمت و سوی مشارکت مشخص شده و بر ورود مردم به آموزش تاکید شده (راهکارهای ۱-۵، ۳-۹، ۴-۹، ۲-۱۷، ۵-۲۰، ۷-۲۰) اما تفسیر جزئیات آن به نهادهای ذی‌ربط از جمله آموزش و پرورش واگذار شده است و اکنون توپ در زمین آموزش و پرورش است تا با توجه به کمبود منابع مالی و ... در باب جزئیات اجرایی شدن آن تصمیم‌گیری کند. با لحاظ سند تحول آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین سند فعلی موجود برای تحول و بهبود کیفی و کمی آموزش و پرورش؛ به نظر می‌رسد دولت می‌تواند استراتژی‌های ارائه‌شده در این پژوهش (استراتژی‌های ارجح شماره ۱، ۲ و ۷) را به کار گیرد تا با حفظ نقش اقتصادی خود به جلب مشارکت بخش خصوصی (استراتژی‌های ارجح شماره ۳، ۵ و ۶) نایل گردد. همچنین طراحی ساز کار تشویق بخش خصوصی جهت ورود به این عرصه (استراتژی ارجح شماره ۴) نیز کاملاً ضروری می‌نماید.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از آن است که بودجه محدودی که دولت برای آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از نهادهای راهبردی و حیاتی کشور در نظر می‌گیرد و وابستگی شدید اقتصاد دولتی به نفت و عدم اقبال به منابع دیگر، از جمله منابع در اختیار بخش خصوصی، می‌تواند وضعیت فعلی تأمین مالی آموزش را نابسامان‌تر نماید. با این وجود، ایفای نقش اقتصادی دولت در آموزش و پرورش بسیار حائز اهمیت است و این مسئولیت نباید صرفاً به بخش خصوصی سپرده شود. تأمین منابع مالی کافی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی، ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش، و تأمین دسترسی برابر به آموزش برای همه افراد، از جمله اقداماتی است که دولت باید به‌طور جدی پیگیری کند، و در عین حال نقش او از تصدی‌گری به تنظیم‌گری و نظارت تغییر یابد؛ زیرا نظام آموزشی دولتی کشور، از نظر تأمین منابع، وضعیت مطلوبی ندارد، و شایسته است که دولت اسلامی علاوه بر تأمین

هزینه‌های آموزش عمومی، زمینه را برای مشارکت مردم (مأئده: ۲) در این امر، فراهم آورد.

امام علی (ع) در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، با اهتمام ویژه بر امر آموزش و پرورش تاکید دارند حکومت اسلامی باید حمایت خود را برای تعلیم و تربیت افراد جامعه به عمل آورد. با این وجود، اما خصوصی‌سازی به معنای واقعی و نه آنگونه که مدنظر نئولیبرالیسم است و نه آن‌گونه که در قالب خصولتی فعلی در ایران مطرح است، بلکه به صورت پته‌سازی حمایت دولتی و پررنگ کردن نقش بخش خصوصی در تصدی‌گری و اداره امور و فروکاستن نقش دولت به تنظیم‌گری می‌تواند نقش بیشتری در بهبود کیفیت و افزایش دسترسی به آموزش و پرورش ایفا کند. همچنین، می‌تواند منابع مالی جدیدی را برای آموزش و پرورش فراهم آورده و به دولت کمک کند تا منابع خود را برای دیگر زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور تخصیص دهد و به‌عنوان مکمل و مقوم اقدامات نظام اسلامی در این زمینه مطرح گردد. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که ایجاد ارتباط بهتر با بخش خصوصی و افزایش مشارکت مردم سبب ارتقای کیفی و کمی هرچه بیشتر آموزش و پاسخگویی هر چه بیشتر آن به مسائل روز جامعه می‌گردد.

نهایتاً اما باید منتظر بود و دید که آیا این مسائل، موجد یک نقطه عطف بی‌سابقه در تاریخ آموزش و پرورش گشته و گرایش عمومی هرچه بیشتر به سمت کاهش تصدی‌گری‌های دولتی در عرصه آموزش و پرورش را رقم خواهد زد و یا این که صرفاً وقفه کوتاهی در گسترش بی‌امان نقش دولت در نظام آموزش و پرورش ایجاد خواهد کرد. قدر مسلم این که در هر نظامی که حرکت به سمت خصوصی‌سازی نظام‌مند آموزش و پرورش در چارچوب خط مشی اساسی تعیین‌شده از سوی نظام‌های سیاسی و اجتماعی حاکم صورت گرفته است، چنان تحولات مثبت عدیده‌ای به وقوع پیوسته است که اصولاً جنبه‌های منفی مختصر آن را به حاشیه رانده است. از جمله تحولاتی که در نتیجه خصوصی‌سازی (البته از نوع نظام‌مند و کانالیزه آن) در فضای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز امکان بروز دارند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کوچک‌سازی دولت، چابک‌سازی نظام مدیریت آموزش و پرورش، مدیریت اثربخش و بهینه منابع انسانی و مالی، ایجاد درآمدهای غیرنفتی برای مردم از محل گردش نقدینگی موجود و سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش بدون نیاز به تزریق منابع جدیدتر، کاهش جلدی در

تشکیلات و نیروی ستادی آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از موانع اصلی تحول آموزش و پرورش ایران و توزیع بهینه نیروی انسانی در حوزه‌های صنفی که مستقیماً با اهداف آموزش و پرورش در ارتباط هستند، حذف ناخودآگاه منابع انسانی ناکارآمد و وظایف مازاد و غیر اثربخش در فضای رقابتی ایجاد شده به‌جهت عدم توان لازم برای حفظ مزیت رقابتی و یا ایجاد انگیزه برای افزایش توان و ظرفیت خود که در هر دو حالت به توانمندسازی تشکیلات منجر خواهد شد، ایجاد امکان آزادسازی ظرفیت‌های رقابتی برای نظام آموزش و پرورش در عرصه جهانی‌سازی آموزش و پرورش، افزایش سطح مشارکت و مسئولیت مردم و نخبگان در اداره آموزش و پرورش، تسطیح هر چه بیشتر ساختار نظام آموزش و پرورش کشور و ایجاد امکان واکنش سریع به تغییرات محیطی، اطلاعاتی و تکنولوژیک که از جمله ملزومات اصلی سازمان‌های امروزی است که عمدتاً در فضایی به فعالیت مشغولند که تنها عامل ثابت آن تغییر است. با وجود تمام مزایای خصوصی‌سازی، بخش خصوصی (حداقل در شرایط فعلی) نباید به حال خود رها شود. بر اساس تجزیه و تحلیل نظرات متخصصان شرکت‌کننده در این مطالعه، دولت باید با ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل، نقش تنظیم‌گری و نظارتی خود را بهینه‌تر ایفا کند و سیاست‌ها و قوانین مربوطه را با بهره‌گیری از دیدگاه‌های اصیل اسلامی تدوین نماید.

به واسطه نیمه‌خصوصی بودن کالا و خدمات آموزش و پرورش، و بر اساس نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات استخراج شده از تحلیل سوات در پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد بخش دولتی و خصوصی بایستی توأمان در تأمین مالی آموزش و پرورش مشارکت داشته باشند. با چنین تدبیری دولت و بازار می‌توانند نقائص خود را در این امر مرتفع ساخته و با مشارکت بخش خصوصی، منابع مالی مورد نیاز برای دستیابی به هدف آموزش برای همه، تأمین گردد؛ مردم نیز در نظارت و مدیریت بر امور تحصیلی فرزندان‌شان نقش فعال‌تری پیدا کرده، و آموزش به‌معنای فعالیتی اجتماعی تحقق می‌یابد. حضور همزمان دولت در این امر نیز نقائص بازار را پوشش داده، و موجب توزیع عادلانه‌تر خدمات آموزشی می‌گردد.

برای اجرایی شدن خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در کشور که البته مستطهر به اصل ۴۴ قانون اساسی نیز هست، پیشنهادهای مطرح می‌شود که از آن جمله می‌توان به پرداخت مستقیم یارانه آموزشی به مردم به‌جای پرداخت آن به وزارت آموزش و پرورش

اشاره کرد که این امر اولاً باعث حذف تبعیض در ارائه خدمات دولتی احتمالی و هدایت خدمات و حمایت افزون‌تر دولتی به سمت مناطق محروم می‌شود که شاید در ابتدای امر به بازدهی لازم نرسیده و با عدم استقبال سرمایه‌گذاران مواجه شود، ثانیاً در صورت اجرای اصولی و صحیح آن، باعث کاهش فشار مالی ناشی از خصوصی‌سازی بر اقشار کم‌درآمدتر می‌شود و ثالثاً امکان انتخاب و برنامه‌ریزی به مردم می‌دهد تا با توجه به اهداف و آینه‌سازان این مرز و بوم اقدام نمایند. ناگفته نماند که امکان اجرای این برنامه در ایران به جهت تجارب ارزشمند و البته قابل‌بازبینی دولت در امر هدفمندسازی یارانه‌ها و اختصاص کارت سوخت خودروها و ... کاملاً وجود دارد. از سوی دیگر، به واسطه تأکیدات مکرر و جدی رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر اجرای کامل اصل ۴۴ در عرصه‌های مختلف می‌توان گفت اراده نظام و بستر قانونی کامل نیز برای این امر وجود دارد و اجرای آن صرفاً عزم و اراده واقعی و برنامه‌ریزی متقن کارگزاران دولت و به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش را برای آزادسازی ظرفیت‌های لازم برای این امر می‌طلبد. در همین راستا قراردادهای آموزشی، و برجسته‌ترین آنها که به کویپن‌های آموزشی معروف است و اخیراً تحت‌عنوان پته‌ای‌سازی آموزش مورد بحث قرار گرفته می‌تواند در تأمین و توزیع منابع اقتصادی در آموزش و پرورش اثربخش واقع شود. راهبردهای مستخرج از نظرات متخصصان نیز بر تمام موارد مذکور صحه گذارده و بر ارائه مشوق‌هایی به بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، انعقاد توافق‌نامه‌هایی با بخش خصوصی جهت بهره‌مندی از تجربه و دانش آنها، فرهنگ‌سازی برای ایجاد رقابت در راستای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش تاکید ویژه دارند و این اقدامات در نهایت منجر به تقویت همکاری بین دولت و بخش خصوصی می‌گردد.

از این رو، دولت می‌تواند با ارائه تسهیلات مالی و مالیاتی به موسسات آموزشی خصوصی، آنها را تشویق کند تا در حوزه‌های مختلف آموزش و پرورش فعالیت‌های خود را گسترش دهند. همچنین، ایجاد مشوق‌های مالی برای سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش و پرورش و ارائه امکانات و تسهیلات برای تاسیس مدارس مردمی نیز می‌تواند به کاهش نقش دولت و افزایش حضور بخش خصوصی و مردم در این حوزه کمک کند. خصوصی‌سازی می‌تواند با ایجاد رقابت و افزایش کارایی، منجر به بهبود کیفیت خدمات

آموزشی شود. با این حال، باید توجه داشت که خصوصی سازی باید به نحوی انجام شود که همچنان افراد با درآمد پایین به آموزش و پرورش دسترسی داشته باشند و نابرابری های اجتماعی کاهش یابد. همچنین، نظارت دقیق دولت بر خصوصی سازی ضروری است تا کیفیت خدمات آموزشی حفظ شود و مسائل مربوط به عدالت و انصاف در دسترسی به آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد.

### تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

### ORCID

Abbas Ramezani  <https://orcid.org/0000-0002-1634-3708>

Ladan Hajianvari  <https://orcid.org/0009-0009-6086-4744>

### منابع

قرآن کریم.

شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹) *نهج البلاغه*، مترجم: محمد دشتی، قم: نشر مشهور.  
احمدی، غلامعلی، عباس زاده شهری، طاهره، درویشی، علی، و میرجوانی زنگنه، کاترین. (۱۳۹۵).  
مروری بر نحوه تامین منابع مالی در آموزش و پرورش. کنفرانس بین المللی نخبگان  
مدیریت، تهران. SID. <https://sid.ir/paper/863311/fa>  
ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی). (۱۳۹۹). ۸۸ درصد مدارس کشور دولتی است. برگرفته از  
لینک: <https://irna.ir/xjBKrX>  
پژویان، جمشید. (۱۳۶۹). *اقتصاد بخش عمومی (جلد ۱)*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه  
تهران.

پوررستمی، ناهید. (۱۳۹۹). صرفه های ناشی از مقیاس. *دانشنامه اقتصاد*، ۳(۱)، ۳-۱.  
حمادی، حمید و خواب جاوید، حسنه. (۱۳۹۴). تربیت فردی در قرآن کریم. *دومین کنفرانس ملی  
روانشناسی و علوم تربیتی*.



خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۵). *بیانات رهبری در دیدار معلمان سراسر کشور* (۱۳۸۵/۰۲/۱۲).  
برگرفته از لینک: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3339>  
دریگوند، فاطمه‌زهرا. (۱۴۰۱). *حق بر آموزش از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران. قانون‌یار*،  
۶(۲۱)، ۱-۳۰.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰).  
شهبازی، حبیب، و مرادی‌مخلص، حسین. (۱۳۹۸). *کاربرد سناریوهای مختلف ریسک‌پذیری و  
مقیاس بازده آموزش عمومی در توسعه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی. پژوهشنامه  
اقتصادی*، ۱۹(۷۲)، ۲۰۵-۲۳۶.

صراف، حمید (۱۳۸۳). *مباحثی در اقتصاد آموزش و پرورش. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای  
اسلامی*، شماره مسلسل ۷۱۱۵.

علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش (ویراست ششم)*. تهران: روان.  
عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۲). *اصول اقتصاد آموزش و پرورش*، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی  
واحد اصفهان.

فدائی، مهدی. (۱۳۹۱). *بررسی تاثیر مؤلفه‌های آموزش و پژوهش در ترویج آموزه‌های اقتصاد  
اسلامی در ایران. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۴(۲)، ۹۳-۱۱۸.

فریدمن، میلتن. (۱۳۸۰). *سرمایه‌داری و آزادی*، مترجم: غلامرضا رشیدی، تهران: نشر نی.  
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه‌الوفاء.

محمدی‌خیا، محسن، و رستمی، نسرين. (۱۳۹۹). *تاثیر رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی (مطالعه  
موردی کشورهای عضو WEF)*، پژوهشنامه اقتصادی، ۲۰(۷۶)، ۱۵۳-۱۸۵.

مرکز ملی مطالعات تیمز و پرلز. (۱۴۰۲). *گزارش اجمالی یافته‌های مطالعه پرلز ۲۰۲۱*. پژوهشگاه  
مطالعات آموزش و پرورش، برگرفته از لینک:

<http://timssandpirls.ir/storage/2023/08/%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4-8%D8%AC%D9%85%D8%A7%D9%84%D9%8A-%D9%86%D9%87%D8%A7%D9%8A%D9%8A-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%8A-%DA%86%D8%A7%D9%BE.pdf>

مصباحی مقدم، غلامرضا، رعابائی، مهدی و همتیان، مهدی. (۱۳۹۲). مولفه‌های غیر مادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم. *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۶(۱)، ۶۱-۹۰.

ویزی، جان. (۱۳۶۱). *اقتصاد آموزش و پرورش*، مترجم: محمد برهان‌منش، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هوشمند، محمود، حسن‌نژاد، حسین و قزلباش، اعظم. (۱۳۹۲). سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تأثیر آن بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه برگزیده. *فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران*، ۶(۱)، ۸۵-۱۰۶.

یاشاریل، سپیده و حبیبیان‌نقیبی، مجید. (۱۳۹۵). اثر هدفمندسازی یارانه‌ها بر فقر و توزیع درآمد در ایران: مدل‌سازی تعادل عمومی عرضه کار. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۷(۲۳)، ۱۵۹-۱۹۶.

## References

- The Holy Quran.  
Nahj al-Balagha.
- Aghion, P., Cherif, R., & Hasanov, F. (2021). Competition, Innovation, and Inclusive Growth. *IMF Working Papers*, 2021 (080).  
<https://doi.org/10.5089/9781513574172.001>
- Ahmadi, G. A., Abbaszadeh Shahri, T., Darvishi, A., & Mirjovani Zanganeh, C. (2016). An overview of how to provide financial resources in education. *International Conference of Management Elites*, Tehran. [In Persian]
- Alagheband, A. (2013). *The sociology of education*. Tehran: Ravan. [In Persian]
- Ballve, F. (1994). *Essentials of Economics: A Brief Survey of Principles and Policies*. New York: The Foundation for Economic Education.
- Belfield, C. R. (2000). *Economic Principles for Education: Theory and Evidence*. Northhampton, MA: Edward Elgar Publishing.
- Caddell, M., & Ashley, L. D. (2006). Blurring boundaries: towards a reconceptualisation of the private sector in education. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 36(4), 411-419.  
<https://doi.org/10.1080/03057920601024750>
- Cairo Declaration on Human Rights in Islam. (1990). U.N. GAOR, World Conf. on Hum. Rts., 4th Sess., Agenda Item 5, U.N. *The Nineteenth Islamic Conference of Foreign Ministers (Session of Peace, Interdependence and Development)*, held in Cairo, Arab Republic of Egypt, from 9-14 Muharram 1411H (31 July to 5 August 1990).
- Coase, R. (1960). The problem of social cost. *Journal of Law and Economics*, 3, 1-44.
- Cohen, J. E., Bloom D. E., & Malin, M. B. (2006). *Educating All Children: A Global Agenda*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Colclough, C., & Lewin, K. (1993). *Educating All the Children: Strategies for Primary Schooling in the South*. Oxford: Clarendon Press.
- Coleman, J. S., & Hoffer, T. (1987). *Public and Private High Schools*. New York: Basic Books.

- Constitution of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
- Derikvand, F. Z. (2021). The right to education from the perspective of Imamiyyah jurisprudence and the subject law of Iran. *Journal of Civil & Legal Sciences (Ghanonyar)*, 6(21), 1-30. [In Persian]
- Emadzade, M. (2003). *Economics of Education*. Isfahan: Jahad daneshgahi (Isfahan University). [In Persian]
- Fedae, M. (2011). Investigating the impact of education and research components in promoting the teachings of Islamic economics in Iran. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Economic Studies*, 4(2), 118-93. [In Persian]
- Fiske, E. B., & Ladd, H. F. (2004). *Elusive Equity: Education Reform in Post-Apartheid South Africa*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
- Friedman, M. (2001). *Capitalism and freedom*, (translator: Gholamreza Rashidi). Tehran: Ney. [In Persian]
- Gintis, H. (1995). The Political Economy of School Choice. *Teachers College Record*, 96(3): 1-20. <https://doi.org/10.1177/016146819509600308>
- Hall, R. E., & Jones, C. (1999). Why do Some Countries Produce So Much More Output Per Worker than Others? *Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83-116. <https://doi.org/10.1162/003355399555954>
- Hammadi, H., & Khobjavid, H. (2014). Individual education in the Holy Quran. *Second National Conference on Psychology and Educational Sciences*. [In Persian]
- Hanushek, E., & Kimko, D. (2000). Schooling, Labor-Force Quality, and the Growth of Nations. *American Economic Review*, 90(5), 1184-1208. <https://doi.org/10.1257/aer.90.5.1184>
- Hosseini, S. R., & Moshiri, S. R. (2023). Critical review of views and currents of Islamic economy. *Islamic Economics and Banking*, 12(43), 27-49. [In Persian]
- Houshmand, M., Hassannejad, H., & Ghazelbash, A. (2013). Investment in education and its impact on the economic growth of selected developing countries. *Iranian Higher Education Association*, 6(1), 85-106. [In Persian]
- Howell, W. G., & Peterson, P. E. (2002). *The Education Gap: Vouchers and Urban Schools* (1<sup>st</sup> ed.). Washington, DC: Brookings Institution Press.
- Hoxby, C. (2003). *School choice and school productivity: Could school choice be a tide that lifts all boats?* In Hoxby, C. (ed.) *The Economics of School Choice*, pp 287-342, Chicago, IL: The University of Chicago Press.
- IRNA. (2020). 88% of the country's schools are public. [In Persian]. Retrieved from: <https://irna.ir/xjBKrX>
- Kelly, A. V. (2004). *The Curriculum Theory and Practice* (5<sup>th</sup> ed.). New Delhi: SAGE Publications.
- Khamenei, S. A. (2006). Leadership statements at the meeting of teachers across the country (2006/05/02). [In Persian]. Retrieved from: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3339>
- Krueger, A., & Lindahl, M. (2001). Education for Growth: Why and for Whom? *Journal of Economic Literature*, 39(4), 1101-1136. <https://doi.org/10.2139/ssrn.223589>
- Ladd, H. F. (2002). School Vouchers: A Critical View. *Journal of Economic Perspectives*, 16(4), 3-24. <https://doi.org/10.1257/089533002320950957>
- Lubienski, C. (2009). Do Quasi-markets Foster Innovation in Education?: A Comparative Perspective. OECD Education Working Papers, No. 25, OECD Publishing, Paris. <https://doi.org/10.1787/221583463325>
- Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Estal al-Fafa.

- McGregor, E. B. (1994). Economic Development and Public Education: Strategies and Standards. *Educational Policy*, 8(3), 252-271. <https://doi.org/10.1177/0895904894008003001>
- Mehrotra, S., & Panchamukhi, P. R. (2006). Private provision of elementary education in India: findings of a survey in eight states. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 36(4), 421-442. <https://doi.org/10.1080/03057920601024883>
- Mesbahi-Moghadam, G., Raayaei, M., & Hamtani, Mehdi. (2013). Non-material components of economic growth from the perspective of the Holy Quran. *Journal of Islamic Economic Studies*, 6(1), 61-90. [In Persian]
- Mohammadi Khyareh, M., & Rostami, N. (2020). Impact of Competitiveness on Economic Growth: Case Study of WEF Countries. *Economics Research*, 20(76), 153-185. [In Persian]
- National Center for Thames and Pearls Studies. (2022). *Summary report of the findings of the Pearls study 2021*. Educational Research Institute. [In Persian]. Retrieved from: <http://timssandpirls.ir/storage/2023/08/%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4-%D8%A7%D8%AC%D9%85%D8%A7%D9%84%D9%8A-%D9%86%D9%87%D8%A7%D9%8A%D9%8A-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%8A-%DA%86%D8%A7%D9%BE.pdf>
- Olson, M. (1971). *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Passin, H. (1965). *Society and Education in Japan*. New York: Columbia University Press.
- Pejuyan, J. (1990). *Public Sector Economics*. Tehran: Jahad daneshgahi (Tehran University). [In Persian]
- Pourrostami, N. (2020). Economies of scale. *Encyclopedia of Economics*, 3(1), 1-3. [In Persian]
- Reich, R. (1992). *The Work of Nations: Preparing Ourselves for 21<sup>st</sup> Century Capitalism*. New York: Vintage Press.
- Sarraf, H. (2004). *Discussions in the economics of education*. Islamic Council Research Center, Machine gun number: 7115. [In Persian]
- Shahbazi, H., & Moradimokhles, H. (2019). Application of Different Scenarios of Risk-Taking and Economies of Scale in Primary Education on Human Capital Development and Economic Growth. *Economics Research*, 19(72), 205-236. [In Persian]
- Shleifer, A. (1998). State versus private ownership. *Journal of Economic Perspectives*, 12(4), 133-150. <https://doi.org/10.1257/jep.12.4.133>
- Smith, A. (1776). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*. London: Strahan.
- Stiglitz, J. E., & Rosengard, J. K. (2015). *Economics of the Public Sector* (4<sup>th</sup> ed.). New York: W. W. Norton & Company.
- Tharinger, D. J., Lambert, N. M., Bricklin, P. M., Feshbach, N., Johnson, N. F., Oakland, T. D., Paster, V. S., & Sanchez, W. (1996). Education reform: Challenges for psychology and psychologists. *Professional Psychology: Research and Practice*, 27(1), 24-33.
- Tooley, J., & Dixon, P. (2005). *Private Education is Good for the Poor: A Study of Private Schools Serving the Poor in Low-Income Countries*. Washington, DC: Cato Institute.

- Tullock, G., Seldon, A., & Brady, G. (2002). *Government Failure: A Primer in Public Choice*. Washington, DC: Cato Institute.
- UNICEF. (1998). *Education for All?* The MONEE project Regional Monitoring Report, No. 5. Florence: UNICEF.
- Vaizey, J. (1982). *The economics of education*. (translator: Mohammad Burhan Manesh). Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Walberg, H. J. (2007). *School Choice: The Findings*. Washington, DC: Cato Institute.
- Weber, E. (1976). *Peasants into Frenchmen: The Modernization of Rural France, 1870-1914*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- West, E. (1997). Education vouchers in principle and practice: A survey. *World Bank Research Observer*, 12(1), 83-103.
- World Bank. (2011). *Learning for All: Investing in People's Knowledge and Skills to Promote Development*. Washington DC: World Bank.
- Yasharil, S., & Habibian-Naqibi, M. (2016). The effect of targeting subsidies on poverty and income distribution in Iran: general equilibrium modeling of labor supply. *Economic Modeling Research Quarterly*, 7(23), 159-196. [In Persian]